

مارکریان روبن

کنفرانس بیست کشور صنعتی جنگ در دو جبهه

چهارمین کنفرانس بیست کشور صنعتی، که اقتصادهایشان در مجموع هشتادوپنج درصد کل تولید ناخالص جهان را تشکیل می دهد، در سنول پایتخت کره جنوبی روز جمعه کار خود را پایان داد. این همایش که از سال ۲۰۰۸ تا کنون چهار اجلاس تشکیل داده است بتدریج جایگزین کنفرانس هفت و یا هشت کشور صنعتی(۱) می شود. کارکرد این همایش تلاش مشترک قدرتهای اصلی سرمایه داری (به همراه مراکز مهم پیرامونی) سرمایه داری برای مقابله با بحران کنونی نظام سرمایه داری می باشد. تردیدی نیست که بحران جاری نظام سرمایه داری، که از سپتامبر ۲۰۰۸ سر باز کرد، عمیق ترین و گسترده ترین بحرانی است که نظام سرمایه داری در تمامی طول موجودیت خود تجربه کرده است. این بحران بحرانی است ساختاری و جهانی که از بحران مسکن در آمریکا شروع و نظام بانکی و مالی سرمایه داری را به آستان فروپاشی سوق داده و آنگاه بسرعت از بخش مالی به همه بخش های "اقتصاد واقعی" گسترش یافت. رکود، کاهش تقاضای موثر، ورشکستگی بنگاه های تولیدی و خدماتی، افزایش جهش آسای بیکاری ... علائم گسترش بحران به همه بخش های "اقتصاد واقعی" بود. بیست قدرت سرمایه داری جهانی در یک اقدام ضربتی، و در همکاری و هماهنگی با هم، قریب چهارده تریلیون دلار(هر تریلیون برابر است با هزار میلیارد دلار) پول برای بازسازی نظام بانکی و مالی تزریق کردند و بدین ترتیب علائم زندگی را دوباره به پیکر در حال احتضار نظام مالی سرمایه جهانی بازگرداندند. علیرغم بازسازی بخش مالی و بانکی احیاء اقتصاد واقعی بسیار کند و شکننده است. کانون های بحران زای جدیدی در اقتصاد آمریکا، اتحادیه اروپا و سایر بخشهای اقتصاد جهانی سر باز کرده است که هر یک می تواند در صورت عدم مهار تعادل لرزان کنونی را بهم زده و بحران را با شدت و گستره بیشتر و عمیق تر به صحنه بازگرداند. بهبود بسیار کند اقتصاد آمریکا(که بزرگترین اقتصاد و بازار جهان است)، اقتصادهای بدهکار و در آستانه ورشکستگی در اتحادیه اروپا(مانند یونان، پرتغال، ایرلند، اسپانیا، ایتالیا)(۲)، جنگ تجاری از طریق کاهش نرخ برابری ارزها میان قدرت های اصلی سرمایه داری جهانی مانند آمریکا، چین، ژاپن، کره جنوبی، آلمان ... از جمله حفره هائی است که می تواند در متن کنونی اقتصاد جهانی مجدداً" به سقوط آزاد اقتصادی بیانجامد.

جنگ ارزی، کانون کشمکش های کنفراس سنول

موضوع اصلی کنفراس ۲۰ کشور صنعتی که اکنون در سنول جریان دارد جنگ ارزی است که خصلت بسیار حاد یافته است. دو طرف اصلی این جنگ آمریکا و چین هستند که اقتصادهایشان هر یک به نوبه خود نقش تعیین کننده ای در اقتصادی جهانی ایفاء می نماید و بنابراین نرخ برابری ارزهای آنها می تواند تاثیرات تعیین کننده ای بر روی اقتصاد کشورهای دیگر بر جای بگذارد.

دولت آمریکا حکومت چین را متهم می کند که به طور مصنوعی یوان، ارز این کشور را، پائین نگهداشته است. پائین بودن نرخ برابری یوان در برابر دلار موجب ارزانی کالاهای چینی در مقایسه با تولیدات کشورهای دیگر و از جمله کالاهای آمریکا گشته و بدین ترتیب کسری موازنه تجاری آمریکا در برابر چین را افزایش می دهد. اما دولت آمریکا به نوبه خود در مظان همین اتهام قرار دارد. او باما تصمیم گرفته است با چاپ ۶۰۰ میلیارد دلار پول، و تزریق آن به اقتصاد آمریکا، تحرکی برای خروج از رکود اقتصاد آمریکا، که بهبود آن بشدت کند است، به وجود آورد. سرریز کردن دلار به اقتصاد جهانی موجب کاهش نرخ برابری دلار و افزایش قدرت رقابتی صادرات آمریکائی در برابر رقبای خود می شود. ژاپن (۳) و کره جنوبی، که خود از صادرکنندگان بزرگ در سطح جهان هستند، برای خنثی کردن ارزان شدن دلار از طریق بانک های مرکزی خود مبالغ عظیمی دلار خریداری کرده اند برای آن که صادراتشان از سوی بنگاه های آمریکائی مورد تهدید قرار نگیرد. برزیل و سایر کشورهای حاشیه ای، در کنفراس ۲۰ کشور صنعتی، نیز به نوبه خود اعلام کرده اند که دولت آمریکا از طریق چاپ دلار و پائین آوردن مصنوعی برابری دلار در برابر سایر ارزها، ذخائر ارزی کشورهای در حال توسعه و جهان حاشیه را خشکانده و آنها را در برابر فشارهای بحران اقتصادی جاری نظام سرمایه داری بی دفاع می سازد. آنها از این سیاست آمریکا را همچون صدور یک سونامی ویرانگر در اقتصادهای کشورهای در حال توسعه و حاشیه ارزیابی می کنند.

پس از جنگ جهانی دوم دلار به ارز جهانی بلامنازع و منبع ذخیره ارزی کشورهای دیگر مبدل شد. نظام پولی " برتن وودز " که پس از جنگ جهانی دوم بوجود آمد و ارزهای اصلی نظام سرمایه داری را با نرخ برابری ثابت در برابر دلار تنظیم می کرد قادر بود ثبات پولی را

در سطح مراکز اصلی سرمایه داری حفظ کند. دولت آمریکا در سال ۱۹۷۵ با پیدایش اولین نشانه های موج بزرگ بحران پس از جنگ جهانی دوم، این نظام را برهم زد و از آن پس به ثبات نسبی در بازارهای ارز خاتمه یافت. اما دلار اقتدار خود را به مثابه ارز و ذخیره اصلی ارزی جهانی، در عین حال نشانه هژمونی جهانی اقتصادی آمریکا بود، همچنان حفظ کرد. این امر به دولت آمریکا اجازه می داد که در صورت لزوم با چاپ دلار مشکلات اقتصادی خود را در دوره های گوناگون حل و فصل نمود و لگدهای بحران هایش را از طریق نوسانات دلار به دیگران منتقل سازد.

هر دوره بحران در نظام سرمایه داری دوره تحمیل هزینه بحران به اردوی کار و زحمت از یک سو و در عین حال دوره تشدید اختلافات درباره شیوه های خروج از بحران میان طبقه سرمایه دار، تلاش برای صدور بحران به گروه بندی های رقیب، هم در سطح ملی و هم در سطح بین المللی، از سوی دیگر می باشد. تجارب جنگ جهانی اول و دوم به سرمایه انحصاری در سطح جهانی آموخته است که همواره میان جبهه اصلی (اشتراک در تحمیل بحران به طبقه کارگر و عموم مردم) و جبهه فرعی (اختلاف میان قدرت های سرمایه داری در سطح جهانی) تفاوت نهاده و جبهه فرعی را به جبهه اصلی مبدل نسازد.

قدرت های سرمایه داری پس از مهار سقوط بخش مالی و بازسازی آن، اقدام به سرریز کردن هزینه بحران بر اکثریت شهروندان جوامع شان یعنی کارگران و زحمتکشان کرده اند. در اکثر کشورهای سرمایه داری پیشرفته سیاست بسیار شدید ریاضت اقتصادی در دستور کار دولت ها قرار دارد. سیاستی که تمامی دست آوردهائی را که جنبش کارگری در قرن بیستم به آنها دست یافته در معرض تهدید قرار می دهد. تهاجم تمام عیار سرمایه در عرصه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و طبقاتی مقاومت کارگران، جوانان، زنان، بازنشستگان را که در خط مقدم این تعرض قرار دارند برانگیخته است. فرانسه، یونان، ایتالیا، اسپانیا، رومانی و اخیراً انگلیس نیز شاهد انکشاف هرچه بیشتر این چالش هاست.

اما این جنگ جبهه دومی نیز دارد و آن تلاش در انتقال هر چه بیشتر بحران به رقبا و کاهش از دامنه بحران در اقتصاد خودی می باشد. جنگ میان قدرت های جهانی خود را به

صورت جنگ های تجاری یا جنگ های ارزی نشان می دهد که حل و فصل آنها موضوع مرکزی کنفراس سنول بود. اما آیا کنفراس سنول توانست به این جنگ پایان داده و از طریق سازش به آتش بس دست یابد؟ واقعیت این است که کنفراس سنول بدون هیچ نتیجه عملی به کار خود پایان داد. اختلافات میان دولت آمریکا و کشورهای که دارای مازادهای عظیم صادراتی هستند و همچنین اختلافات دولت آمریکا با دولت های در حال توسعه مانند برزیل در مورد نحوه تنظیم رابطه ارز و مازاد تجاری به هیچ نوع سازش عملی روشن و قابل اتکاء، جز یک سلسله توصیه ها و قول و قرارهایی نمایشی، نیاانجامید. در بیانیه نهائی سران ۲۰ کشور مجموعه ای از توصیه ها مطرح شده است که هیچ نوع ضمانت اجرایی ندارد از جمله اجتناب از کاهش مصنوعی برابری ارز از ارزش واقعی آن در بازار (که قصد دولت چین است)، کاهش مازاد تجاری به زیر چهار درصد از تولید ناخالص ملی (طرف این توصیه چین، آلمان، ژاپن و... هستند)، اجتناب از چاپ و سرریز کردن یک جانبه منابع عظیم پول به اقتصاد (انتقاد غیرصریح از امریکا)، تقویت ذخایر بانک های سرمایه گذاری برای مقابله با بحران های مالی (اکنون میزان ذخائر این بانک ها تنها کفاف پرداخت های دو روز تعهدات آنها را می دهد و نه بیشتر) و... در مورد مهار انحصارات مالی که بازیگران اصلی بورس بازی در اقتصاد کازینویی سرمایه داری هستند هیچ گونه نتیجه و توافق روشنی حاصل نشد. (۴) بدین ترتیب بزرگ ترین برندگان کنفراس های ۲۰ کشور صنعتی سرمایه مالی و انگلی است که نه تنها با تزریق منابع مالی کلان بازسازی شده است (۵) بلکه با موج جدید در هم شکستن نظام تامین اجتماعی عرصه های جدیدی برای سوداندوزی های عظیم در برابرش گشوده شده است. فاش گونی در باره خصلت انگلی نظام موجود تنها ادعای ما منتقدان نظام سرمایه داری نیست. "جان استیگ لیتس" (برنده جایزه نوبل اقتصاد) می گوید "باید بانکداران را به گوشه زندان بیاندازیم و گرنه اقتصاد نمی تواند دوباره سرپایش بیايستند... ویلیام بلاک و جیمز گالبرایت از سرشناس ترین اقتصاددانان آمریکائی نیز معتقدند که "نمی توان به بحران پایان داد مگر آن که این جنایتکاران متقلب را به زندان افکند".... "جرج اکرلوف" اقتصاد دان برنده جایزه نوبل نیز می گوید "بجای تنبیه این جنایتکاران یقه سفید ما آنها را نجات داده ایم و بدین ترتیب انگیره های باز هم بیشتری برای تخریب اقتصاد در آینده فراهم ساخته ایم!" (۶)

جنگ واقعی اما در جبهه اصلی علیه تعرض سرمایه برای تحمیل هزینه بحران به کارگران و زحمتکشان ادامه دارد. در هفته گذشته با اعتراضات گسترده دانشجویان انگلیس، و اعلام یک روز اعتراض ملی توسط آنها، این کشور نیز به صف کشورهای پیوست که در آن مقاومت در برابر تعرض سرمایه با مقاومت توأمند توده ای مواجه می شود. در فرانسه اتحادیه های کارگری فراخوانی برای روز ۲۳ نوامبر، به عنوان نهمین اقدام بزرگ توده ای و سراسری، علیه قانون بازنشتسگی جدید منتشر کرده اند. ائتلافی به اسم " ما حاضر نیستیم هزینه بحران شما را پردازیم" متشکل از شصت تشکل در آلمان فراخوانی برای یک اقدام عمومی در ۲۶ نوامبر(قرار است در این روز پارلمان آلمان برنامه ریاضت اقتصادی این کشور را تصویب کند) صادر کرده اند. اتحادیه های کارگری در کشورهای مانند ایتالیا، یونان، رومانی و ... در تدارک اعتراضات جدید هستند. تعرض سرمایه را، تنها از یک طریق، از طریق وارد کردن هر چه بیشتر نیرو به صحنه پیکار طبقاتی می توان خنثی کرد!

شنبه ۲۲ آبان ۱۳۸۹ برابر با ۱۳ نوامبر ۲۰۱۰

(۱)- هفت کشور صنعتی شامل آمریکا، آلمان، ژاپن، فرانسه، انگلستان، کانادا، ایتالیا بودند که پس از فروپاشی شوروی روسیه نیز به عنوان ناظر به آنها اضافه شد.

(۲)- خطر ورشکستگی اکنون اقتصاد ایرلند را نیز به طور جدی تهدید می کند.

(۳)- ورود مقادیر زیاد دلار به بازار ارزش ین در برابر دلار سه درصد کاهش داده است.

(۴)- جز اولین کنفرانس ۲۰ کشور صنعتی که در اوج بحران در سال ۲۰۰۸ برگزار شد و توانست اقدامات ضربتی برای نجات نظام در حال فروپاشی سرمایه داری را هماهنگ کند سه کنفرانس بخاطر رقابت های درونی به هیچ نتیجه محسوسی دست نیافته است.

(۵)- هم اکنون بخش مالی نخائر عظیمی برای فعالیت های انگلی در اختیار دارد که عبارتند از سودهای عظیم انحصارات چندملیتی که مفر سرمایه گذاری در اقتصاد واقعی ندارد، تریلیون ها دلاری که از همه انواع بورس بازی به دست آمده و بالاخره چاپ اسکناس و باصطلاح پول ارزانی که روانه بازار می شود. کنفرانس تورنتو ۲۰ کشور صنعتی نشان داد که دولت های اصلی و حاشیه سرمایه داری خود میباش سرمایه مالی بوده و قادر به هیچ اقدام جدی برای مهار غولی که اکنون با قدرت بیشتری از شیشه خارج می شود نیستند.

(۶) -مراجعة کنید به منبع زیر:

<http://www.businessinsider.com/nobel-economist-says-we-have-to-prosecute-fraud-or-else-the-economy-wont-recover-2010-11>